

گزارشی از وضعیت کارگران ساختمانی روزمزد

یکشنبه بیست ششم آبان ۱۳۸۷

آژانس ایران خبر



کارگران روزمزد، پابرهنگان واقعی جامعه ایران

برای آنان که صبح ها اول وقت باید در محل کار خود حاضر باشند، دیدن خیل انبوه انسانهایی که در کنار میادین شهر تهران تجمع نموده و هرکدام از آنان بقچه وسایل شخصی خود را نیز روی دوششان دارند تا حدودی عجیب و غیر منتظره است. هرچند دیدن این صحنه ها که گاهی حجم زیاد تجمع کنندگان باعث راه بندان و ترافیک هم می شود برای

مردم، عادی شده است، اما دیدن این همه جوان که بیشتر آنان از شهرستان آمده اند تا حدودی تامل انگیز است. جوانانی که باید الان در سر کلاس درس مدرسه و یا دانشگاه حاضر باشند در این جا جمع شده اند تا منتظر حضور صاحب کاری شوند و روزی امروز خود را از او طلب کنند. کارگران روزمزد فقیرترین و درمانده ترین قشر نیروی کار کشور ما هستند که این روزها با وضعیت موجود اقتصادی کشور روزگار سختی را سپری می کنند. برای آگاهی از وضعیت این کارگران خبرنگار آژانس ایران خبر گزارشی را تهیه کرده است که در پی می آید.

صبح اول وقت روز پنجشنبه در کنار میدان امام حسین تهران کارگران زیادی همراه با وسایل شخصی خود آماده و ایستاده اند. در نگاه همه آنان می توان نوعی انتظار و اضطراب را مشاهده کرد. انتظار برای دیدن صاحب کاری که آنان را برای کار ساختمانی یا هر کار دیگری انتخاب کرده تا بتوانند روزی امروز خود را استحصال کنند. هوشنگ جوان ۲۱ ساله ای که از شهرستان کوهدشت لرستان آمده است وسایلش را که شامل یکدست لباس کار است در داخل بقچه اش گذاشته و آماده و قیراق منتظر کار است، درحالی که با دقت تردد ماشین ها را زیر نظر دارد حاضر میشود چند دقیقه ای را با من هم صحبت شود. از او می پرسیم که چرا اینجا ایستاده است؟ در حالی که از نگاهش و حالت چشمانش می توان این پاسخ را دریافت که چو دانی و پرسشی سئوالت خطاست! اما برای شروع صحبت ناچارم این سؤال را از وی بپرسم. اومی گوید از اول تابستان به همراه تعدادی از دوستانم برای کارگری از کوهدشت لرستان به

تهران آمده ایم. از او می پرسیم با توجه به هزینه های سنگین تهران چرا در همان شهرواستان خود کارگری نمی کنید تا حداقل در کنار خانواده خود باشید؟

با ناراحتی می گوید در آنجا کارگر به حدی زیاد است که دیگر کاری برای ما پیدا نمی شد اینجا کارهای ساختمانی



و ساخت و ساز زیاد است و ما به راحتی می توانیم در اینجا کار پیدا کنیم. وی درحالی که همچنان تردد افراد و ماشین

ها را زیر نظر دارد ادامه می دهد در استان ما بیکاری بیداد می کند حتی آنهایی که درس خوانده اند و دانشگاه رفته اند نمی توانند کاری پیدا کنند. برای ما که تا سیکل مدرسه رفته ایم به جز کارگری و کارهای سنگین ساختمانی، کار دیگری پیدا نمی شود به همین دلیل مجبور شدیم که به تهران بیاییم. از او در مورد وضعیت استراحت شبانه و محل اسکان او سؤال می کنم میگوید که از اول تابستان تا یکماه پیش که هوا مناسب بود به همراه دوستانم شبها را در پارکها می خوابیدیم الان هوا در حال سرد شدن است مجبوریم شب ها در یک ساختمان نیمه کاره که یکی از همشهریان من سرایدار آنجاست استراحت نمائیم. مرکز پژوهش های مجلس به تازگی در گزارشی نسبت به افزایش تورم و بیکاری هشدار داده و آنرا از چالش های اصلی اقتصاد ایران دانسته است. همزمان با آن معاون سلامت وزارت بهداشت از افزایش نرخ رشد جمعیت کشور خبر داده است. بیشترین تعداد جمعیت کشور به گفته او در گروه سنی میان ۱۵ تا ۲۹ ساله است. بیکاری از یکسو و تورم از سوی دیگر مشکلاتی هستند که به موازات هم در ایران در حال رشد هستند. نرخ تورم در ایران در سال جاری به ۲۶/۴ درصد رسیده است. کارشناسان می گویند ایران سال هاست به رکود تورمی دچار است و این به معنای افزایش بیکاری، همراه با بالا رفتن نرخ تورم و گرانی است.

بعد از ظهر همان روز به حومه تهران رفتم، در اینجا کارهای ساختمانی زیاد است و اکثر کارگران روزمزد برای انجام کار به اینجا می آیند. ساعت ۴ بعد از ظهر پایان ساعت کار آنان است. در حالی که خستگی طاقت فرسا در چهره همه کارگران دیده می شود اما با روحیه ای خوشحال به صاحب کار خود مراجعه می کنند تا دستمزد خود را دریافت کنند. مزد یک روزه هر کارگر ۱۵ هزار تومان است البته این مبلغ حداکثر نرخی است که به یک کارگر روزمزد داده می شود چون بعضی از صاحب کارها با توجه به متقاضیان زیاد کار ساختمانی حداکثر ۱۲ هزار تومان را با آنان قرار داد می بندند. یکی از کارگران که پسر جوانی است و خود را عبدالله معرفی می کند در پاسخ به این سؤال من که با این پول چکار می کنید می گوید حدود ۵ هزار تومان آن در روز خرج خودم می شود باید غذا تهیه کنم تا برای کار انرژی داشته باشم بقیه آنرا برای مادرم در شهرستان میفرستم. وی میگوید تامین بخشی از هزینه زندگی خانواده ما بر عهده من است و باید حتما این مبلغ را برای آنان بفرستم. کارگر دیگری به نام رحیم که مرد میانسالی است در پاسخ به همین سؤال من می گوید صاحب ۴ تا بچه هستم هزینه زیاد و گرانی باعث شده تا برای خرج آنان از جان مایه بگذارم. بچه های من در نهایت فقر زندگی میکنند. رحیم در رباط کریم از شهرهای حاشیه تهران ساکن است، قامت او در زیر فشار زندگی و فقر روزافزون تکیده و رنجور است. از او می پرسم آخرین باری که برای بچه های خود گوشت خریده اید را به یاد دارید؟ فقط لبخند تلخی را تحویل می دهد و سکوت میکند. سکوتی که میتوان یک دنیا حرف و حدیث را از آن فهمید و استنباط کرد. کارگران روزمزد فقیرترین و مهاجرتیترین قشر جامعه ما هستند. آنان نه از مزایای بیمه و خدمات درمانی و ... برخوردارند و نه صنفی یا اتحادیه ای آنان را از نظر حقوقی مورد حمایت قرار میدهد. هیچ تضمینی هم برای آینده آنان نیست. در یک زندگی روزمره و تکراری گرفتارند و کارهای سنگین ساختمانی که بیشتر بر قدرت فیزیکی استوار است موجب صدمات جسمانی به آنان می شود. این در حالی است که شعار دولت جمهوری اسلامی ایران و فلسفه انقلاب حمایت از مستضعفین و پابرهنگان جامعه است. اما هیچکس این واژه حمایت را تعریف نکرده و برای کارگران روزمزد که مصادیق واقعی پابرهنگان جامعه اند چاره ای نیندیشیده است.